

قدم دیر رسیده

گزارشی درباره چرایی تصمیم زوجین به تأخیر در فرزندآوری و تبعاتش

سرور هادیان

گزارش روز

تا چند سال پیش باخودش فکر می کرد روزی درگوش فرزندش لالایی می خواند و این رازمزه می کند که پس از تولد او، چطور دنیایش تغییر کرده و حالش بهتر شده است؛ درگوشش نجوامی کند که چطور عشقی که فرزندش به او داده، جهان بینی اش را عوض کرده و جهان را جای بهتری برای زیستن کرده است. چند سالی گذشت و رخت سفید عروسی بر تن کرد. اگر چه آن تصاویر زیبایی را که از داشتن فرزند، از دوران نوجوانی در ذهنش ساخته بود، گاه و بیگاه باخودش مرور می کرد و دلش غنج می رفت برای اینکه یک نوزاد تازه از راه رسیده، شور و هیجان تازه ای را برای زندگی شان به ارمغان بیاورد، اما مشغله های روزگار و درس و کار و از همه مهم تر نگرانی از پذیرفتن مسئولیت فرزند، او را برای ساختن آن رؤیای دوران نوجوانی به شدت دودل کرده بود. همسرش هم نگرانی های مشابهی داشت که سبب شده بود هر دو نفر فعلا قید بچه دار شدن را بزنند. حالا اما حدود هشت سال از شروع زندگی مشترکشان می گذرد و اگر چه دل به در بازده اند و می خواهند که بچه دار شوند، اما در همان قدم اول مانده اند و به دنبال راهی هستند برای باز کردن گرهی که قبلا به راحتی با دست با می شد و به قولی نیاز به دندان نداشت.

نگرانی از آینده فرزند

هر دو مدرس دانشگاه هستند و بیش از پنج سال از دوران نامزدی و ازدواجشان می گذرد اما هنوز هم برای فرزندآوری مردد هستند. نوشین درباره علت نداشتن تصمیم جدی برای فرزندآوری می گوید: من و همسرم در دوران دانشجویی باهم آشنا و بعد هم وارد فضای کار شدیم و بالاخره زندگی مشترکمان را شروع کردیم اما تا زمانی که به یک ثبات نسبی در کار نرسیم، هر دو نگران هزینه های فرزند و تأمین آینده او هستیم. همسر او نیز توضیح می دهد: تصمیم به فرزندآوری اولین مرحله است؛ آمادگی روحی هم باید داشته باشیم و تأمین آینده فرزند نیز برعهده ماست و ما هنوز به این مرحله نرسیده ایم.

اولویت های دیگر

حمید رضا و همسرش هم از زوج های مشهوری هستند که بیش از شش سال از ازدواجشان گذشته است. او موبایل فروش است و درباره تصمیمشان برای تأخیر در فرزندآوری می گوید: من و همسرم خیلی به هم علاقه داریم اما احساس می کنیم هنوز از عهده مسئولیت های فرزند بر نمی آییم.

توجه به زمان طلایی باروری

دکتر مریم عباسی دولتی، جراح، متخصص زنان و زایمان و نایابی است که درباره زمان مناسب برای فرزندآوری توضیح می دهد: به طور قطع عدد خاص یا آمار دقیقی در این مورد نمی توان گفت؛ زیرا چندین عامل باعث افزایش تعداد ناباروری می شود که یکی از مهم ترین آن ها، سن زیاد افراد در زمان ازدواج است. اوصحبتش را این طور ادامه می دهد: بهترین باروری یک خانم در سنین بین بیست تا بیست و پنج سالگی می تواند باشد؛ زیرا تخمک ها در این سنین بهترین بازدهی را دارند. به مروره که سن خانم ها افزایش پیدا می کند، به خصوص در سنین بیشتر از ۲۵ سال، تعداد بیماری های ژنتیکی در جنین افزایش می یابد یا احتمال سقط جنین بیشتر می شود. عباسی درباره افزایش ناباروری هم زمان افزایش سن بانوان هشدار می دهد: از سن ۲۵ سال به بالا، میزان باروری یک خانم به طور میانگین در هر ماه حتی نسبت به ماه قبل کاهش می یابد. توصیه ما این است که اگر زوجی برای شناخت یکدیگر نیاز به زمان دارند، این زمان آن قدر زیاد نباشد که زمان طلایی شان را برای باروری از دست بدهند. او با اشاره به تعویق فرزندآوری به دلایلی مانند تحصیل، روبه راه شدن وضعیت مالی و... بیان می کند: به طور مثال با سن ۳۸ سال و بیادشت ۱۰ سال از ازدواج، ممکن است با یک سیکل ناباروری مواجه باشیم که مجبور به درمان از راه آی وی اف شویم و این درحالی است که احتمال جواب ندادن این روش هم با افزایش سن بیشتر می شود.

مردان هم بداند!

به گفته عباسی، حتی در مردان هم کیفیت اسپرم با افزایش سن به خصوص بالای چهل سال کاهش می یابد و این خودش باعث سقط جنین در مادر می شود، این درحالی است که معمولا همه تصور می کنند علت سقط فقط بیماری مادر است. او تأکید می کند: فراموش نکنیم که سقط جنین می تواند باعث کاهش میزان باروری یا عوارضی چون عفونت شود.

حساس شدن «والدین خوب»

بخشی ادامه می دهد: امروز می بینیم که گفتارهای روان شناسی و تربیتی درباره وظایف والدین در مقابل فرزندان، به نوعی به والدین احساس گناهکاری القا می کند. از سویی مطالبه فرزندان از والدین نیز زیاد شده و در مجموع مسئولیت والدین، بسیار سنگین شده است، از این رو معمولا والدین در سال های اول زندگی شان و حتی در سال های بعد که می خواهند برای فرزندآوری تصمیم بگیرند، خیلی محتاطانه عمل می کنند.

ترس از طلاق

این جامعه شناس تصریح می کند: نکته بعدی، آمار نرخ درخورتوجه طلاق در سال های اول زندگی یعنی صفر تا چهار سال پس از ازدواج است. افزایش نرخ طلاق، زوج ها را برای فرزندآوری در سال های اول زندگی محتاط می کند و آن ها ترجیح می دهند پس از گذراندن دوره بحرانی زندگی زناشویی، فرزندى داشته باشند. این تصمیم البته با توجه به مسائل و دشواری هایی که بزرگ کردن یک بچه به تنهایی برای هریک از والدین دارد و حتی مسائلی که خود آن بچه ممکن است دچارش شود، فواید بسیاری

دکتر حامد بخشی، جامعه شناس و عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، نیز درباره ریشه های جامعه شناسی تعویق در فرزندآوری می گوید: علاوه بر مسئله اقتصادی که جای خود دارد و مهم است، زوج های امروز محاسبه عقلانی می کنند و معتقدند که تا قبل از آنکه زندگی شان به ثبات نسبی نرسیده است، آمادگی بچه دار شدن را ندارند.

به گفته او، یکی از عوامل مؤثر بر تأخیر در فرزندآوری، گفتمان مسئولیت درباره فرزند است که در این سال ها به ویژه از زبان روان شناسان و متخصصان علوم تربیتی زیاد مطرح می شود. طرح مکرر نکات و گفتارهای مربوط به فرزند پروری مطلوب و ملاحظات های بسیاری که برای «والدین خوب» مطرح می شود، افراد را درباره احساس مسئولیتی که در برابر فرزندشان دارند، حساس کرده است. در گذشته این میزان احساس مسئولیت و گفتمان مربوط به آن وجود نداشت و بچه همین که به دنیا می آمد، سهم خودش را گرفته بود و از آن به بعد والدین در حد تغذیه و تاحادی تربیت او به شکل متداول و نرمال، احساس وظیفه می کردند. این بود که فرزندآوری یک تصمیم بحرانی و پرمسئولیت، شمرده نمی شد.

یکی از عوامل مؤثر بر تأخیر در فرزندآوری، گفتمان مسئولیت درباره فرزند است که در این سال ها به ویژه از زبان متخصصان علوم تربیتی زیاد مطرح می شود

سلیقه ای که سلیقه ای نیست!

دوره طلایی خیلی مطرح نیست ولی برای خانم ها دوره طلایی باروری تا سی و پنج سالگی است و بعد از آن شرایط کمی سخت می شود؛ به همین دلیل اگر برای بارداری دوره طلایی خانم ها سپری شود، ممکن است از آوردن فرزند منصرف شوند.

تبعات تأخیر در فرزندآوری

معینی درباره تبعات دیر فرزند دار شدن هم می گوید: ازدواج زوج ها اشاره کرده که اگر در سنین کم مثلا در بیست سالگی باشد، هنوز پختگی و بلوغ عاطفی رخ نداده است تا بخواهند یک بچه را وارد رابطه شان کنند، بنابراین آمادگی فرزندآوری را ندارند. ما می گوئیم فرزند باید زمانی وارد یک رابطه شود که طرفین به سطحی از بلوغ عاطفی، عقلی و احساسی رسیده باشند. معینی بهترین سن فرزندآوری از لحاظ روان شناسی را معمولا همان سه تا شش سال بعد از ازدواج می داند و می گوید: بهترین زمان برای فرزند اول، این زمان است اما اینکه برخی قید بچه دار شدن را می زنند یا فرزندآوری را پس از این زمان هم به تأخیر می اندازند، دلایل مختلفی دارد که یکی از آن ها، آموه های جامعه است که تأکید می کند با تولد فرزند آزادی ها پایان می یابد، پس تا فرزند نداری، می توانی به سفر، تحصیل، کار، دوره های دوستانه و... بپردازی.

او ادامه می دهد: انکار فرزند قرار است دست و پای افراد را ببندد و دیگر قرار نیست بعد از آن هیچ کاری انجام شود، البته وقتی که مرد در پروسه نگهداری و رشد فرزند دخیل نباشد، این ترس برای خانم ها وجود دارد که من اگر بچه بیاورم، مجبورم در خانه بمانم و... اما اگر نگهداری از فرزند با هم فکری، همراهی و همکاری هر دو نفر باشد، این ترس همراهِ می شود، کمتر می شود. به گفته این روان شناس، یکی دیگر از عوامل، مشغله مالی افراد است. علاوه بر این، سن بالای ازدواج یکی دیگر از عوامل است. اگر چه می گویند برای پسر ها

هم برای والدین و هم برای فرزندان دارد. بخشی، با اشاره به اینکه فراگیری طلاق در زندگی زناشویی، مربوط به چهار تا پنج سال اول زندگی است، بیان می کند: به نظر می رسد منطقی است هنگامی که والدین تقریبا از دوران بحرانی طلاق عبور کردند، بعد از آن تصمیم به بچه دار شدن بگیرند تا دست کم آسیب های بعدی را کاهش بدهد. او بیان می کند: نکته بعدی، وضعیت بسیار متغیر جامعه و پیش بینی ناپذیری وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه ماست که احساس امنیت نسبی را از افراد، از جمله والدین، گرفته است. به طور کلی انسان ها زمانی اقدام به فرزندآوری می کنند که احساس امنیت و اطمینان نسبی داشته باشند و در برابر آینده ای که پیش روی آن هاست، تاحدی احساس آشنایی و ثبات کنند. بخشی توضیح می دهد: عوامل مؤثر بر تأخیر در فرزندآوری، هر چه به سمت طبقه متوسط نزدیک تر می شویم و از جامعه روستایی به جامعه شهری و از جامعه شهری به جامعه شهرهای بزرگ نزدیک تر می شویم، تشدید می شوند و با قدرت بیشتری عمل می کنند، بنابراین در طبقه متوسط، بیش از سایر طبقات و در جامعه شهری مدرن، پیش از جوامع شهرستانی و روستایی، مسئله تأخیر در فرزندآوری دیده می شود.

ادامه وضعیت فعلی و تصمیم برخی زوج ها برای نداشتن فرزند، سبب می شود افراد در آینده تنهاتر، منزوی تر، درون گراتر و افسرده تر شوند. تأخیر در فرزندآوری همچنین سبب افزایش شکاف نسلی بین والدین و فرزندان می شود. تصور کنید بین مادر و فرزندى در اولین بارداری تفاوت سنی حدود چهل سال باشد؛ این بچه به سن جوانی که برسد، مادرش شصت سال سن دارد که با او کار راه می رود یا حوصله

ندارد یا نمی تواند فرزندش را که نیاز به حمایت دارد، همراهی کند. معینی تصریح می کند: انکار نسلی که می آید، قرار است یک خانه سالمندان را مدیریت کند؛ یعنی خواهر و برادری ندارد و یک پدر و مادر سالخورده دارد که یا مریض هستند یا باید به آن ها رسیدگی کند و مراقب دکتر و داروهایشان باشد. در نتیجه این فرزندان هم حوصله چندانى ندارند و با نسلی مواجه خواهیم بود که همیشه مضطرب است و در فضای بیرون از خانه متماثل می شود؛ زیرا در خانواده و خانه، فضای مفرحی ندارد. به اعتقاد او، آسیب مهم تر برای این نسلی که فاصله سنی اش با والدین زیاد است، آسیبى است که هیچ مشاور و روان شناسی نمی تواند آن را درمان کند.